

سیاست خارجی در حکومت اسلامی

نورزید و اصولی بنام حقوق بین الملل در عناصر حکومت خویش قرارداد. ما هرگز در این بخش فشرده و صفحات محدود نمی توانیم تمام خطوط سیاست خارجی اسلام را ترسیم کنیم.. زیرا تشریح کلیه خطوط مربوط به حقوق بین المللی بصورت گسترده در گروهی اینست که مجموع آیات و کلیه پیمانهای که پیامبر گرامی اسلام با دولت ها و رؤسای قبایل آنروز بسته است مورد بحث و بررسی قرار گیرد، حتی به این نیز نباید اکتفاء شود و میثاقهایی که میان خلفای اسلام و دولت های خارجی بسته شده است مورد بررسی قرار گیرد و یک چنین بحث گسترده از عهده این رساله فشرده بیرون است.

هدف در این بحث اشاره ای گذرا بر بخشی از خطوط و اصولی است که اسلام آنها را در زمینه سیاست خارجی ترسیم کرده

غرب زدگانی که سرچشمه دانش های آنان همان دانش های غربی است، تصور کرده اند که غرب پایه گزار روابط خارجی میان دولت های جهان است، و هرگز پیش از تمدن غربی، حقوقی به نام روابط خارجی یا حقوق بین المللی در کار نبوده است، در صورتی که این يك اندیشه خامی است که از سطحی نگری این افراد بوجود آمده است، و هر کس تاریخ بشر را درباره ملت ها ورق زند بريك رشته رسوم و روابط و قوانین دست می یابد که می تواند معرف حقوق بین المللی و یا روابط خارجی دولت های آن روز در سطح امکاناتشان باشد.

اسلام از روز نخست بصورت يك آئین جامع در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی، رخ گشود، در پی ریزی اصول حکومت خویش از يك موضوع غفلت

به سیاست خارجی، در مسائل جنگ و صلح خلاصه می‌شود، از این جهت غالباً در حقوق بین‌المللی این دو موضوع بیش از دیگر موضوعات خودنمائی می‌کند، در صورتی که دائره حقوق بین‌المللی گسترده‌تر از این دو موضوع است.

در حال اسلام در روابط خود با دولت‌های خارجی از اصل واحدی پیروی نمی‌کند یعنی همیشه خواهان جنگ و نبرد باشد و یا همیشه هر چند به قیمت ناپودی نظام اسلامی تمام شود طرفدار صلح و سازش باشد، بلکه او در حفظ روابط خود با دولت‌های خارجی نحوه معامله و برخورد آنها را با دولت اسلامی مورد نظر قرار می‌دهد و مطابق برخوردها عمل می‌کند، قرآن مجید این دو نوع برخورد را در سوره ممتحنه طی دو آیه بیان کرده است و ما را از شیوه خاص خود درباره ملت‌های غیر اسلامی آگاه می‌سازد.

در موردی دستور میدهد که ما با گروه‌ها و دولت‌های خارجی راه نیکوکاری و عدالت را پیش گیریم و به آنان نیکی کنیم و با از کلیم عدالت بیرون نگذاریم و این در صورتی است که این افراد و گروه برضد حکومت اسلامی توطئه نکنند و به حدود کشور اسلامی تعرض نمایند در این صورت است که خدا می‌فرماید:

لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یخرجوکم

سال بیست و یکم شماره ۸

است و تنها همین خطوط می‌تواند الهام بخش بسیاری از اصول سیاسی خارجی اسلام در عصر کنونی باشد.

باید توجه نمود که اسلام به حکم خاتمیت، اصول و امهات هر موضوعی را مطرح می‌کند و اما لباسی که در هر زمان با این اصول مناسب است، آن مربوط به سیاستمداران اسلامی است که در هر زمان آن را با لباس خاصی عرضه کند.

یادآور می‌شویم، همین طوری که خود اصل و مغز اهمیت خاصی برخوردار است نحوه عرضه و لباسی که بر اصلی پوشیده می‌شود بسان خود آفتاب، اهمیت بسزائی دارد.

چه بسا دیده می‌شود که یک اصل حیاتی با عرضه نامتناسب با روح زمان و شرایط جامعه، بصورت صحیح تلقی نمی‌شود و جامعه پذیرای آن نمی‌گردد، در حالی که مشابه آن وقتی به صورت صحیح عرضه می‌گردد، متفکران از آن جانبداری می‌کنند.

اینک در اینجا اصولی را تحت ارقام ریاضی یادآور می‌شویم که هر یک می‌تواند خط مشی سیاسی اسلام را ترسیم کند و یادآور می‌شویم که در طرح‌های اصلی اختصار را در نظر می‌گیریم.

۱- ملائک در روابط دوستانه و

خصمانه

گاهی تصور می‌شود که مباحث مربوط

سران میهن اسلامی که باچه گروه و دولتی رفتار مسالمت آمیز داشته باشند و با چه گروهی روابط خود را قطع کرده و آغازگر نبرد باشند.

۲- برای کسب محیط آزاد

درحالی که اسلام از هر نوع تحمیل عقیده جلوگیری می کند و دین را اندیشه ای می داند که باید با کمال آزادی و از طریق تعقل وارد فضای ذهن گردد مع الوصف در مواردی برای کسب آزادی جهت تبلیغ اسلام ویا از زیر سلطه درآوردن مستضعفان برنامه صلح را به برنامه جهاد تعرضی عوض می کند.

آن جا که مستکبران هر نوع آزادی را برای تبلیغ اسلام از بین برده و مانع از آن هستند که سخن خدا و رسالت پیامبر و دستورهای او بگوش ملت ها برسد در این صورت است که اسلام جهاد تعرضی خود را برای کسب آزادی شروع می کند. و هرگز به اندیشه (نباید در کارهای داخلی دولتها مداخله نمود) گوش فرا نمی دهد زیرا اسلام يك مکتب فلسفی نیست که نوشته شود و در گوشه کتابخانه ها بماند و گرد خورد. بلکه باید این پیام در محیط آزاد تبلیغ شود تا مردم با کمال میل و رضایت به آن بگویند. هرگاه سران و قدرت های طاغوتی مانع از نفوذ اسلام در محیط های خود باشند این جاست که جهاد تعرضی برضد طاغوتیان آغاز می شود و مشروح این قسمت

من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا
الیهم ان الله یحب المقسطین (ممتحنه -
آیه ۸)

ترجمه: هرگز خدا شمارا درباره افرادی که باشما نچنگیده اند و شمارا از خانه های خود بیرون نرانده اند، از نیکی و قسط در باره آنان باز نداشته است. خدا افراد دادگر را دوست دارد.

در مقابل گروهی توطئه گر که پیوسته در صدد ساقط کردن حکومت اسلامی و محو آثار اسلام و تعرض به مرزهای میهن اسلامی و آواره ساختن گروهی از مسلمانان از خانه های خود، می باشد که کینه و دشمنی خود را با اعمال خود پنهان نمی سازند. با این گروه باید نبرد کرد و دشمن را از پای درآورد چنانکه می فرماید:

انما ینهاکم الله عن الذین
قاتلوکم فی الدین و اخرجوکم من
دیارکم و ظاهروا علی اخراجکم
ان تولوهم و من یتولهم فاولئک
هم الظالمون (ممتحنه - ۹)

: خدا شما را از برقراری صلح و سازش یا پیمان عدم تعرض با کسانی که با شما در راه دین نبرد کرده اند و شماها را از سرزمین های خود بیرون رانده اند و بر بیرون راندن شما تظاهرات کردند باز می - دارد و هر کس آنان را دوست بدارد آنان ستمگرانند.

این دو آیه الگوری جامعی است برای
مکتب اسلام

زیرسلطه‌ها یکی از آرمانهای اوست که جدا
از آرمان مسلمانان نیست.

این جاست که خطوط صلح و صفا، جنگ
و نبرد در سیاست خارجی اسلام مشخص
می‌گردد.

همگی می‌دانیم که فقهای اسلام
جهاد علیه دشمن را به دو نوع تقسیم
کرده‌اند:

۱- جهاد دفاعی

۲- جهاد تعرضی

جهاد نخست به عنوان دفاع از جان
و مال و حیثیت و آبروی اسلامی تشریح
شده است. و این نوع دفاع در میان همه
ملل رواج کامل دارد.

در اینجا دشمن مهاجم با اسلحه گرم
هاسخ داده می‌شود. در صورتی که در جهاد
تعرضی و ابتدائی حمله‌ای از جانب دشمن
صورت نمی‌گیرد ولی حاکم اسلامی به خاطر
کسب محیط‌های آزاد برای تبلیغ دین و
برای از زیر سلطه در آوردن مستضعفان
پس از اخطار به دشمن و اتمام حجت از
طرق معقول دیپلماتی و تشریح اهداف،
حمله را شروع می‌کند، آنهم به خاطر
همان هدف، نه برای گسترش خاک و افزودن
ایالتی بر دیگر ایالتها.

و به خاطر همین جهت پس از نیل به
اهداف، در امور داخلی مردم و رسوم و

بقیه در صفحه ۶۹

سال بیست و یکم شماره ۸

در کتب فقهی وارد شده است.

۳- برای آزاد ساختن افراد

زیر سلطه

مورد دیگری که اسلام برنامه تعرض
خود را آغاز می‌کند این است که مستضعفان
زیر سلطه از مسلمانان طلب حمایت کنند
در این مورد است که حکومت اسلامی به
عنوان حامی مستضعفان جهان باید به ندای
آنان پاسخ مثبت بگوید و در این مورد کتاب
آسمانی ما چنین دستور میدهد:

وَمَالِكُمْ تَقَاتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ
وَالْوَالِدِينَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا
أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا
وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا
مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (نساء-۷۵)

«چرا در راه خدا و در راه مستضعفان
از مردان و زنان و فرزندان که پیوسته می-
گویند ما را از این سرزمین ستمگران آزاد
کن، نمی‌جنگید. آنان که می‌گویند از
نزد خود برای ما ولی و سرپرستی و یار و
یاوری قرار بده».

شاید در ذائقه گروهی يك چنین تعرض،
مداخله در امور کشوری تلقی گردد ولی
این گروه باید بدانند اسلام يك پدیده
مادی نیست که در برابر رفاه و آزادی ملل
دیگربی تفاوت باشد و کامیابی ملت خویش
را آخرین آرمان تلقی کند بلکه آزاد ساختن

اخبار جهان اسلام

بیداری مسلمانان شوروی!

از ۲۵ هزار مسجد فقط ۳۰۰ مسجد باقیمانده است!

مسلمانان کره جنوبی به مناسبت آغاز بیست و پنجمین سال نفوذ اسلام در این کشور، مراسم مذهبی باشکوهی برپا کردند. به همین مناسبت، «مسجد فاتح» و مرکز اسلامی سؤل (پایتخت کره جنوبی) افتتاح گردید.

در این مراسم تعداد ۷۰ نفر از شخصیت‌های اسلامی از ۱۵ کشور مختلف شرکت کرده بودند. طی این مراسم، مذاکرات و بحث‌های ارزنده‌ای پیرامون انتخاب بهترین و مؤثرترین راه تبلیغ اسلام در کشورهایی مانند کره که دارای اقلیت مسلمانست، به عمل آمد.

روزنامه گاردین چاپ لندن گزارش داده است که بیداری مسلمانان شوروی، زمام‌داران این کشور را مجبور کرده است که با بازگشایی حدود بیست مسجد موافقت کنند.

باید یادآوری کرد که از میان پیست و پنج هزار مسجد که پیش از انقلاب کمونیستی در شوروی وجود داشته اکنون فقط در حدود سیصد مسجد باقی مانده است!

(مجله آلامه سال ۱ شماره ۱)

* * *

افتتاح مسجد و مرکز اسلامی در

کره جنوبی
مکتب اسلام

این برنامه موجب آشنائی بیشتر دولت

منتشر می گردید .
(اخبار العالم الاسلامی شماره ۷۱۹)

مکتب اسلام

امید است این مجله، همان رسالتی را که در زمان سید جمال الدین در بیداری و آگاهی مسلمانان و مبارزه با استعمارگران به عهده داشت، عهده دار گردد به ویژه در بسیج و آگاه کردن مسلمانان مصر، و سقوط رژیم سادات، نقش مؤثری ایفا کند .

* * *

ترور شخصیت های اسلامی

توسط مزدوران تایلندی

منابع موثق اسلامی گزارش دادند که یکی از مأموران امنیتی تایلندی، به سوی استاد «عبدالرحمان جاریان گریان» آتش گشود و او را مجروح ساخت.

این ترور هنگامی صورت گرفت که عبدالرحمان طی مراسمی در دانشگاه بزرگ نطانی، به مناسبت موفقیت در یک مسابقه سخنرانی مذهبی جایزه دریافت می کرد. مأموران تایلندی به بهانه این که در بیمارستانهای نطانی (استان جنوبی مسلمان نشین تایلند) تجهیزات لازم برای معالجه او وجود ندارد، وی را به بانکوک (پایتخت تایلند) بردند.

باید یادآوری کرد که جراحت وی از ناحیه بازوی راست بوده و حال او آن چنان وخیم نبوده که نیاز به انتقال او به بانکوک سال بیست و یکم شماره ۸

و ملت کره جنوبی با آئین اسلام، و مایه گسترش فعالیت اسلامی در این کشور گردیده است .

لازم به تذکر است که تاریخچه نفوذ اسلام در کره جنوبی، به جنگ میان دو کره بر می گردد که طی آن ارتش ترکیه از طرف سازمان ملل متحد در جنگ مداخله کرد، و در اثر رفتار ارتشیان مسلمان ترکیه، مردم کره به اسلام گرایش پیدا کردند.

امروز تعداد مسلمانان این کشور بالغ بر سه هزار نفر می شود که سرپرستی آنان را انجمن اسلامی مسلمانان به عهده دارد. این انجمن کتاب های متعددی به زبان کره ای چاپ کرده است و روزنامه ای نیز به نام «کوری اسلام هیرالد» به زبان انگلیسی منتشر می کند .

انجمن مزبور موافقت دولت را جهت تأسیس یک دانشکده اسلامی به ظرفیت ۸۰۰ نفر دختر و پسر جلب کرده است. (مجله الامة سال ۱ شماره ۳)

* * *

تجدید حیات مجله عروة الوثقی

اکنون مقدمات انتشار یک مجله اسلامی جدید به نام «عروة الوثقی» در مصر، فراهم می گردد .

سر دبیر این مجله «شیخ احمد حسن باقوری» خواهد بود. مجله «عروة الوثقی» در آخر قرن گذشته، توسط مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده

فطانی، بی وقفه تعقیب و آنان را ترور می‌کنند.

دولت تایلند برای اجرای این برنامه، مبالغ گزافی خرج می‌کند و به هر يك از مأموران امنیتی که مسلمانی را به قتل برساند، جایزه و پاداش می‌دهد.

(اخبار العالم الاسلامی شماره ۷۲۳)

باشد و همین امر این شبهه را تقویت می‌کند که هدف آنان از این کار، از بین بردن اوپرتز بی سروصدا است زیرا مأموران امنیتی تایلندی هر مسلمانی را که مجروح شود، پس از انتقال به بیمارستان، بطور مرموزی سر به نیست می‌کنند.

لازم به تذکر است که درخیمان تایلند، شخصیت‌های تحصیل کرده اسلامی را در

* * *

شاه حسین، مز دوری که بلاگردان ارباب میشود

تاریخ پیدایش حکومت خاندان هاشمی اردن گویای همه

چیز است.

کشور عثمانی برخاستند، از جمله مزدوران منطقه‌ای اجیر شده توسط انگلیسی‌ها، خاندان «هاشمی» بود که زهرپوش سابقان حاج ا و کلید داران کعبه ا در مکه و مدینه با روش‌های قرون وسطائی حکومت می‌راندند.

در ازاء قیام علیه دولت عثمانی و کمک برای متلاشی کردن آن، انگلستان به اینها وعده داد که در ایجاد يك قلمرو بزرگ عربی شامل فلسطین، لبنان، سوریه و عراق، آنها را یاری نماید.

امپراطوری عثمانی که علی‌رغم کم و کاستی‌های درونی به صورت قدرت نیرومند و خطرناکی علیه منافع استعمار انگلیس عمل می‌کرد، در شرائط پس از جنگ اول و شکست دول محور، آماج حملات و دیسه‌های امپریالیزم انگلیس قرار گرفت انگلیسی‌ها برای متلاشی کردن قلمرو عثمانی که همواره به صورت قدرت بالقوه ای علیه آنها به حساب می‌آمد، با تحریک احساسات ناسیونالیستی عربی و قبیل‌های و اجیر کردن شیوخ منطقه، به تکه‌باره کردن

مکتب اسلام

حسین ، شاه فعلی اردن ، در کودکی به شاهی رسید چون که پدرش دیوانه بود و عمویش ناتوان از حکومت!

* * *

حال که چگونگی تولد مصنوعی این رژیم ساخته انگلیس ، آورده شد ، بد نیست به خصوصیات حکومتی فرمانروای اردن بپردازیم تا بتوانیم علت اصلی انتصابش را توسط ارباب ، به حمایت علنی از صدام بیان کنیم .

يك روزنامه نگار فرانسوی ، می گوید :
« امیر کنونی (شاه حسین) نتوانست در قلمرو خویش آرامش برقرار سازد ، مگر پس از آنکه غول اسرائیل) نیمی از آن را بلعید و خود او بخشی از جمعیتش را کشتار کرد (این اشاره ای است به کشتار وحشتناک سپتامبر ۱۹۷۰ فلسطینیان در اردن) .

به هنگامی که سه هواپیمای مسافربری غربی در سپتامبر ۱۹۷۰ در بیابانهای زرقاء پس از آزاد شدن مسافرانش به کیفر بی توجهی افکار عمومی جهان و خاصه غرب به زندگی رقت بار صدها هزار فلسطینی آواره از خانه و کاشانه ، منفجر گردید ، شاه اردن به دستور ارباب آمریکائیش تصمیم به قلع و قمع این تروریست ها گرفت ، و آنگاه بود که یکی از نفرت انگیزترین حوادث تاریخ عرب شکل گرفت و حادثه ای آفریده شد سال بیست و یکم شماره ۸

ولی در همین ، زمان امیر دیگری از عرب در کویت به سر می برد ، و بر آن خطه حکومت می راند و نامش «عبدالعزیز بن سعود» بود که ابتدا واحد ریاض را تصرف کرد ، و در ۱۹۲۴ موفق شد هاشمیان را از مکه و مدینه براند ، و خود حاکم آنجا گردد و کسی است که اعقاب او هم اکنون بر کشور فعلی سعودی حکومت می رانند .

همینطور که از نام کشور آشکار است این خاندان کشور را تیول خود پنداشته و نامشان را بر کل کشور نهادند !

در این شرایط بود که انگلیسی ها به یاری مزدور خود شتافته و ملک «عبدالله» بزرگ خاندان هاشمی را بر ماوراء اردن که عمده ساکنان آن را بدویان عرب تشکیل می دهند حاکم گردانید .

در سال ۱۹۴۸ پس از تشکیل کشور اسرائیل ، ملک عبدالله اردن غربی را نیز ضمیمه خاک خود کرد ، ملک عبدالله که در صدد مذاکره و سازش با «گلدامایر» بود ، در یک سوء قصد به کیفر جنایتش رسید و کشته شد .

البته از تبار خاندان هاشمی شاخه ای نیز با حمایت انگلستان ، کشوری را که اکنون عراق نامیده می شود بنیان نهادند که آنها برخلاف اقوام اردنی خود دوام نیاورده و خیلی زود متلاشی و نابود شدند .

نفت و معادن در این کشور، خبری نیست، و این هم يك انگیزه ثانوی شده و از طبیعت ارباب نوازی موروثی اورا تشدید کرده است، به طوری که در دوران شاه معدوم از کمک های سرشاری بهره می برد هم اکنون نیز رژیم های مرتجع، عرب، عساکشان او هستند، و در این اواخر رژیم بعث عراق با پرداخت کمک نیم میلیارد دلاری به حمایت از او برخاسته است، و او نیز به خاطر همین کمک ها و نیز توصیه اربابش آمریکا نیروهای خود را در اختیار صدام گذارده است، اما آنچه سبب شده علی رغم موقعیت و خیمی که صدام دارد، و نیاز بسیار شدیدی که به یاری و کمک مادی و معنوی در جهان عرب پس از ناکام ماندن در جنگ پیدا کرده، تنها شاه اردن به حمایت علنی از او برخیزد، این است که: سقوط حسین به خاطر پشتیبانی از صدام حداقل ریسک امپریالیسم در منطقه است، زیرا در صورت متزلزل شدن و بحرانی تر شدن اوضاع داخلی دیگر دست نشانندگان منطقه ای آمریکا، مانند عربستان، عمان و غیره، علاوه بر به مخاطره افتادن صدور نفت به غرب، باعث از دست رفتن پایگاههای ارزشمند استراتژیکی در منطقه خلیج فارس خواهد گردید، در صورتی که اگر به این دلیل «حسین» سقوط کند او نه نفتی دارد که

بقیه در صفحه ۹

که حا قتل و عام ۱۰ تا ۱۲ هزار فلسطینی را اقل ۲۰ هزار زخمی و مجروح بود.

حاکم اردن در این جنگ، مزدورانه به علت ناتوانیش در جنگ خیابانی و چریکی، با توپخانه سنگین به نبرد خیابانی علیه آوارگان فلسطینی پرداخت آگاهان عقیده دارند که کمتر دولتی برای حفظ حاکمیت خود در زمان کوتاهی توانسته است به اندازه شاه اردن کشتار کند.

همین پس که گفته شود: حکومت اردن در خلال سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ بیش از اسرائیلی ها، فلسطینی ها را قتل عام کرده است جالب این است که «بدانیم» ملک عبدالله نیز در ۱۹۴۸ در تحریم فلسطین به نفع تشکیل اسرائیل شرکت فعال داشت، در حقیقت امپریالیسم آمریکا نقش سرکوبی فلسطینی ها را به عهده این مزدور خود واگذار کرده است به همین منظور او را به جنگ افزارهای سبک برای جنگهای چریکی و خیابانی علیه فلسطینیها مجهز نموده است به طوری که از توپ هوایی و نیروی هوایی به او بهره ای نرسانده است حاکم اردن خود بیش از اسرائیلی ها از نفوذ فدائیان فلسطین به خاک اسرائیل جلوگیری کرده است.

از طرف دیگر از نظر ثروت های طبیعی، اردن وضع به شدت خرابی دارد، و از مکتب اسلام

وقتی دیوار چین به کاخ سفید

متصل می شود !

امپریالیسم عامل اصلی گرسنگی جهانی

شده است ... دیواری بطول تقریباً دو- هزار و یکصد کیلومتر که در حدود دو هزار و دوست سال از عمر آن می گذرد . فلسفه بنای این دیوار ، ایجاد سدی بوده در برابر هجوم دشمنان گونه گون : سدی بر پایه های خون ، برای جلوگیری از خونریزی !!

برجهای دیده بانى فراوانى زینت بخش دیوارند، برجهاىی که در گذشته های قرون وظیفه همین «رادار» امروز را انجام می دادند ، با این تفاوت که بجای هواپیما- های جنگنده ، نیزه ها و تیرهای دشمن را زیر نظر داشتند .

اینکه این (دیوار چین) طی قرون بچه درد خورده یا نخورده ، کاری نداریم . سرگذشت آن را بهمان گذشته ها می سپاریم اما ، با سرنوشت آن ، کار داریم ، چرا که این دیوار کرو لال ، هرگز- طی این عمر طویل- تصور نمی کرد که روزی ، روزگاری

سال بیست و یکم شماره ۸

دورانی است که خداوندان زر و زور ، پنجره های صد هاهای میلیون فقر و فلاکت متحرک را ، بروی خورشید می بندند ... و خود- بیخبر از خدا- بیگانه با پیامبران خدا- در کاخ- های از کوخ ها جدا ، مستانه می خندند ... و در دورانی اینچنین - عجیب تر از همه آنکه «مار» در آشیانه ای از «پونده» لانه می کند و غسل میشود «دسر» خربزه ...! منظور ، «چین کمونیست» است و «آمریکای سوپر کاپیتالیست» ...!

و بحث ما بر سر همین «عجیب تر از همه» است ... بحث ما بر سر پدیده ی جدیدیست که من آنرا «کاپیتامونیسم» نامیده ام.

از دیوار چین تا کاخ سفید

گورستان عمودی عریض و طویلی است که بدوران امپراطوری چین - شی- هوانگک - تی بنا شده است . نام مستعارش «دیوار» است ، دیواری که ساختمانش به قیمت جان صد هاهزار انسان ستمکش تمام

شوروی کمونیست را دشمن شماره یک خود می‌داند، بهمان سلامتی پاکستان را برضد هندوستان می‌شوراند، خود را سآ به هند تجاوز می‌کند، برای کامپوچیا ولوی سر-خرمنی - جنایتکار حرفه‌ای آیشمن صفتی بنام پل-بت ۱- می‌تراشد و گسترش دوستی با آمریکا را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار می‌دهد ۱

کدام آمریکا؟ همان آمریکائی که سلاح-هایش میلیونها تن از کمونیستهای چین را بادست «چیانکایچک» بخاک و خون کشیدند. چین کمونیست به آمریکا هشدار میدهد که مبادا حواسش پرت باشد که «امپریالیسم کمونیسم» دارد دنیا را می‌بلعد، جای آمریکا را در آسیای جنوب شرقی می-گیرد! ...

و روح میلیونها انسان ساده که بعشق کمونیسم، جان خود را از دست داده‌اند در آسمانی که سایبان ازدهای زرد است، سرگردان است. و در خود چین توده‌ها از «کاپیتامونیسم» چین، در حیرت. و روح «سون یاتسن» در حسرت اینکه کاش هرگز بدنیا نیامده بود تا با اصطلاح پیروان آن معجون مزخرفی بنام «گمونیست ساخت چین» را برخ جهانیان بکشند... کمونیستی که یکسر دیوار چین را به کاخ سپید وصل کرده و سردیگرش را به وال-استریت ...!!

(تلخیص از مجله سروش شماره ۶۸)
عضویت چین در مؤسسات

«امپراطوران مدرن» چین، سروته آنرا بطور نامرئی بکاخ سفید متصل سازند! که ساختند ...

نبرد عشق دو قطب متضاد!

«چین کمونیست»، امروز سوگلی حرم-سرای خداوندان بلامناع زر و زوراست خداوندان زروزوری که انبار زر آنها در «وال استریت» قرار دارد و انبار زورشان در «واشنگتن»!

از سال ۱۹۷۲ بود که کمونیسم ساخت چین «راز پنهان» را «آشکار» ساخت. و برای بار نخستین با پذیرائی از «ریچارد نیکسون» معروف با سردمداران جهان سرمایه، نرد عشق باخت و پس از نیکسون با عشوه گری‌های افسانه‌ای در دسامبر ۱۹۷۵ با «جرالد فورد»، رئیس جمهور دیگر آمریکا - در پکن پایه‌های این عشق دو جانبه را محکمتر ساخت و بدینوصف قطب‌ها، سرگیجه گرفتند و کارگردانان پرولتاریای چین - پرولتاریای چین را دعوت کرد که «متحد شوند» اما اتحاد نه برضد کاپیتالیست که با کاپیتالیست! و این «اتحاد مقدس» برنشیب و فراز امواج هفت دریا خون از یادرفته، تولد خود را اعلام داشت ... و ویتنام تازه از بندرسته مورد تجاوز قرار گرفت ... و هندوستان مهاتما گاندی نیز ... و کامپوچیا در دوزخی از آتش و محون بجان‌کندن آغاز کرد...

«چین کمونیست» صرفنظر از اینکه - سلامت سر «وال استریت» - سالهاست، مکتب اسلام

✽ از ۱۵۶ شرکت بزرگ بخش خواربار جهانی ، ۸۹ شرکت آمریکائی است

برای میلیون‌ها انسان که ناگزیرند با آنچه می‌توانند در زباله‌دانها بیابند ، زنده بمانند یا به سختی می‌توانند با جیره‌های برنج ، ذرت و غیره زنده بمانند ، یا ناگزیر باشکمهای متورم و خالی باطراف می‌روند ، عبارت «بحران مواد غذایی جهان» بی‌تردید بزرگترین گمان حقیقت جلوه می‌کند .

برای مردم گرسنه مرسوم نیست در کنگره ها و کنفرانس‌هایی که درباره وضع خواربار جهانی ، رشد جمعیت ، «سوپور» مارکت‌های سبزی» یا درباره دورنما های مراسم انگیزشکم خالی ها برگزار میشود شرکت کنند .

دست کم تا آنجا که ما می‌دانیم ، هیچ شخص مبتلا بسوء تغذیه‌یی ، در سخن رانی- هائی که «ادوین ول هاوزن» اخیراً در «کاراکاس» در باره مسئله خواربار کرد شرکت نکرد .

خبرگزاری اسپانیائی «ای.اف.ای» ، «ول هاوزن» را بعنوان رایزن بانک جهانی و بنیاد «راکفلر» و پدر «انقلاب سبز» معرفی کرده است .

«ول هاوزن» که همچنین رئیس مرکز بین‌المللی اصلاح گندم و ذرت مستقر در مکزیک است ، پیش‌بینی کرد که بین ۱۰۰ میلیون و ۲۰۰ میلیون تن کسری غله در سال بیست و یکم شماره ۸

سرمایه‌داری

پس از دو سال تماسهای مکرر میان رهبران چین و مسئولان بانک جهانی که آخرین تماس طی دیدار «مکنامارا» رئیس بانک جهانی از پکن ، صورت گرفت ، سرانجام کشور چین ، عضویت بانک جهانی درآمد ، و این ، مقدمه است برای عضویت این کشور در صندوق بین‌المللی پول . بدین ترتیب چین پس از یوگسلاوی دومین کشور کمونیست خواهد بود که عضویت این این مؤسسه درآمده است .

نکته مطلب اینست که هم بانک جهانی و هم صندوق بین‌المللی پول ، وابسته به سیستم پولی جهان سرمایه‌داری برهبری ایالات متحده آمریکا است ، و عضویت چین کمونیست در اینگونه موسسات ، نشانگر آنست که چین ، دروازه‌های خود را بطور گسترده‌ای بسوی جهان سرمایه‌داری باز کرده است تا بتواند از این راه وام‌ها و کمک‌های مختلفی از کشورهای سرمایه‌داری بدست آورد ، و این گشایش دروازه‌ها ، نمونه تازه‌ای از تفسیرمادی تاریخ در مکتب کمونیستها است !!
(مجله حضارۃ الاسلام شماره ۵۰۶ سال ۲۱)

امپریالیسم عامل اصلی

گرسنگی جهانی

✽ گرسنگی بیشتر یک پدیده عمومی جهان سرمایه‌داری است

چیز ، اصلاحات ارضی حقیقی را ایجاد می کند ، و اصلاحات ارضی حقیقی ، با توجه به ساخت های کنونی قدرت ، يك بخش جدا نشدنی از «انقلاب اجتماعی» است .

رایزن بانک جهانی و «بنیاد راكفلر» در سخنرانی اش ، درباره این موضوع سخن نگفت . «ای. اف. ای» در گزارش خود کلمه ایی درباره اصلاحات ارضی نمی گوید و اصلا در باره انقلاب اجتماعی بعنوان يك وسیله پایان دادن به گرسنگی ، چیزی نمی گوید ، گرسنگی ئی که منحصر به «مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری» سیاره نیست بلکه بیشتر ، يك پدیده عمومی جهان سرمایه داری از جمله کشورهای صنعتی است .

علت اصلی گرسنگی که به جهان صدمه وارد می کند و همچنین علت اصلی «محصیبت بزرگ جهانی» که کارشناسان پیش بینی می کنند ، آن است که در جامعه هائی که سرمایه داری ، اقتصاد آن را در چنگال دارد ، هدف تولید ، بیش از آنکه تأمین نیازهای جمعیت باشد سود است!

مثلا در گزارشی که اخیراً «کمسیون ملل متحد برای شرکت های بین المللی» منتشر کرد ، بازگو شده که ۱۵۶ شرکت بزرگ ، بخش خواربار را در جهان سرمایه داری کنترل می کنند . هشتاد و نه تا از این شرکتها ، شرکت های آمریکائی هستند که سود آنها در ۱۹۷۶ ، به بیش از ۱۰۰۰۰۰۰/ میلیون دلار بالغ شد .

۱۹۹۰ وجود خواهد داشت ، از این قرار ، بین ۵۰ و ۱۰۰ میلیون تن در آسیا ، بین ۳۵ و ۷۰ میلیون تن در افریقا و ۱۵ و ۳۰ میلیون تن در آمریکای لاتین .

رایزن بانک جهانی گفت که «برای بر آوردن تقاضای روز افزون جهانی برای مواد غذایی ، تلاش استثنایی» لازم خواهد بود و او سه راه را برای تولید مواد غذایی بیشتر در جهان پیشنهاد کرد: توسعه زمین های کشت کردنی ، افزایش تولید در زمین های زیر کشت ، و افزایش بهره برداری از منابع دریائی .

«ای. اف. ای» تفسیر نمونه ئی از کلمات سخنرانی ارائه کرد و ادعا کرد که: «تبدیل جنگلها و دشتهای مناطق گسترده گرمسیری و نیمه گرمسیری این سیاره به زمین قابل کشت ، تنها راه اصلی برای پایان دادن به گرسنگی است» .

اما مسأله بآن سادگی که در نظر اول می نماید ، نیست. مثلاً تبدیل ۰.۰۰۰ میلیون هکتار زمین بیکار در آمریکای لاتین بزمین قابل کشت ، بمعنی تغییر دادن يك ساخت ارضی است که بخشی از نظام تولید سرمایه داری و يك عامل حیاتی در تمامی تشکیلات اجتماعی آن است .

این ، ساختی است که بیش از آنکه برای بر آوردن نیازهای مردم تولید کند ، برای بازار تولید می کند .

راه حل برای «بحران مواد غذایی» به عبارت دیگر گرسنگی جهانی - پیش از هر

در نظام اجتماعی که کشاورزی يك تجارت بزرگ است ، آنجا که تولید مواد غذایی به قیمت های بازار بستگی دارد و آنجا که بورس بازی به ابعاد انسانی می رسد ، تنها چیزی که بحساب می آید ، سود است .
 چه کسی به صفت کودکان پابرهنگه درهند اهمیت می دهد که در برابر يك آشپزخانه عمومی به انتظار می مانند و امیدوارانه تماشا می کنند حال آنکه در آشپزخانه غذای کافی برای تغذیه آنها وجود ندارد ؟ چه کسی به هزاران مرد ، زن و کودک در نیجریه اهمیت می دهد که برای يك ظرف سوپ بسیار منتظر می مانند ؟

چه کسی به مادر بزرگلی اهمیت می دهد که در زیر لباس پنبه ای خاکی خود به دنبال پستانهای چرو- کیده خود می گردد تا نوزادش را تغذیه کند ؟ ! یا چه کسی به مادر بولیویایی اهمیت می دهد که از بزاق خود استفاده می کند تا بکوشد رنج کودک آب از دست داده خود را تسکین بدهد ؟
 آنچه به حساب می آید ، سود است !

(از : اینترنشنال نیوز بنقل اطلاعات شماره ۱۶۲۹۲)

بقیه از صفحه ۵۹

معتقدات مردم که اسلام آنها را به گونه ای به رسمیت شناخته است ، هرگز مداخله نکرده و جز اینکه در رأس کار چند نفر مورد اعتماد خود ، قرار دهد تا توطئه ها تکرار نشود و آزادیها از بین نرود ، کار دیگری صورت نمی دهد . و تاریخ فتوحات اسلامی خصوصاً در بخش شامات و مصر روشنترین گواه بر این مطلب است .

نتیجه سقوط او ضرر غیر قابل جبرانی به منافع امپریالیزم در منطقه وارد نخواهد ساخت !
 تلخیص از مطبوعات

بقیه از صفحه ۴۰

باری تنها عوامل اجتماعی باعث شکست این انقلاب ها نشد بلکه مجموع عوامل سیاسی ، اقتصادی ، نظامی و اجتماعی دست به دست هم داده موجبات شکست را فراهم ساختند .

در اینجا تاریخچه انقلاب ها و جهاد های شیعیان از آغاز حکومت عباسیان تا نیمه قرن دوم هجری به پایان رسید و از شماره آینده بخواست خدا صحنه های دیگری از انقلاب های شیعیان مورد بحث قرار خواهد گرفت .

سال بیست و یکم شماره ۸

بقیه از صفحه ۶۴

از دست رفتنش باعث دغدغه خاطر ارباب باشد و نه موقعیت فوق العاده استراتژیکی زیرا از این نظر آمریکا می تواند روی اسرائیل و راست گرایان لبنان بدون نیاز به شاه اردن ، حساب کند و در نتیجه